

زمانیکه رویزیونیستها به آستانبوسی بورژوازی میروند

سال دوم - دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهار ۱۰۰۰ ارپال

نگاهی به مذاکره بهشتی و دو تن از رهبران سازمان چریکهای فدایی (اکثریت)

برمی آید تا مبارزه طبقاتی را انکار نموده و صلح
 اجتنابناهی تحت حاکمیت بورژوازی را موعظه نماید،
 انقلاب اجتماعی را رد کرده و حکومت بورژوازی را
 سناش نماید، اصل وجودی سازمانهای مخفی، غیر
 قانونی و انقلابی را انکار کرده و وطن پرستی نوینستی
 و بورژوازی را تبلیغ و ترویج نماید. آری این
 جریان رویزیونیستی و اپورتونیستی مانند همه
 جریانهای رویزیونیستی و اپورتونیستی به حاکمیت
 نفوذ بورژوازی در درون پرولتاریا و سایر توده های
 زحمتکش تبدیل میشود.

بدین ترتیب بود که جریان رویزیونیستی
 اکثریت به رهبری فرخ نگهدار و رشک آرا از انقلاب بطور
 روشن فاصله گرفته و بدرگاه بورژوازی روی مسأله
 و پس با انسجام خفیدن به مشی رویزیونیستی خود
 میگردند عمل خود را بر این مشی انطباق کامل بخشند.
 این جریان امروز تا بدانجا سقوط کرده که آتشکاه
 در نیوزگی در آستان هیات حاکمه ضد خلقی ایران روی
 آورده است و در پی آن برآمده تا آتشکاه به مشی سازش
 طبقاتی جهت خاموش کردن انقلاب بکشد. مذاکره دو
 تن از رهبران جریان رویزیونیستی اکثریت با فرد
 سفوری چون بهشتی خاش نمونه ای از تلاش ضد انقلابی
 رهبران رویزیونیست این جریان علیه انقلاب و
 نیروهای انقلابی بشمار میآید. آنها آتشکاه را با
 مرتجعین آویخته و با غمزه های شیوع آور میگویند
 بهای خیانت به منافع و مصالح انقلاب تان شیرینی
 حقیری از دشمنان خلقهای ایران بگیرند. این اقدام
 یکبار دیگر سقوط رویزیونیستی این جریان در عین
 حال چهره کریه و ما هیت بورژوازی رویزیونیسم را به
 نمایش میگذارد. جوهر اساسی مصالحه را اعتماد
 بورژوازی، مخالفت با انقلاب و اعلام آمادگی جهت خفه
 کردن انقلاب بمنظور کسب امتیازات جزئی تشکیل
 میدهد:

آستانبوسی درگاه بورژوازی

رویزیونیستها آرا حاکمیت و مجریان مشی
 و بدلولوی بورژوازی در جنبش کارگری هستند،
 وظیفه اساسی ایشان تبلیغ اعتماد به بورژوازی در
 سنی طبقه کارگر و توده ها است. آستان حاضرند کاسیها
 و بقاشن موجود در کار دولت بورژوازی را بپذیرند،
 حاضرند به سختی و مصیبتی وارد بر میلیونها
 زحمتکش را بپذیرند، اما پس از دیدن همه اینها در بین
 توده های زحمتکش به تبلیغ این ایده می پردازند
 که ما با از اعتماد به بورژوازی دست برداریم!
 اگر جریان رویزیونیستی اکثریت در راستای
 مطرح میگردند که از "جناح خوب" هیات حاکمه در مال
 "جناح بد" تان باستی دفاع کرد و اگر آستان را نمانی

انقلاب خط کشی روشن و صریحی می نمایند. معمای
 طبقاتی این خط کشی صریح چیزی جز سنگبری مشخص
 به جانب بورژوازی نمی باشد. آستان اگر تا بحال در
 برده از بورژوازی حمایت می نمودند، اینک آتشکاه را
 به دفاع از آن بلند میگویند و بدین ترتیب چهره واقعی
 خود را آشکارا رسوا میسازند.

در دوران رژیم شاه سازمان چریکهای فدائی خلق
 بر اساس مشی خرد بورژوازی چریکی مبارزه ای انقلابی
 را بر علیه ارتجاع حاکم به پیش می برد. مشی چریکی
 محوری بود که گرایشات سیاسی - ایدئولوژیک متفاوت
 بدوران جمع شده بودند. زمانی که این محوار زین
 رفت و مشی چریکی از راه وسیع پرولتری کنار گذاشته
 شد و زمانی که مبارزه طبقاتی درجا معما گرفته بود
 و فضا مینشأ رویدادهای سیاسی - اجتماعی جدیدی
 گشته بود، اشعاب در این سازمان امری طبیعی بود
 ریشه این اشعاب به نا همگونی گرایشات طبقاتی
 موجود در سازمان چریکهای فدائی نهفته بود و نتایج
 و رخداد های خونین ناشی از قیام نمیتوانست
 عمق یافتن این نا همگونی و تضادهای درونی اشعاب
 نگذارد. در این سازمان گرایش که از موضع لیبرالی
 علیه "دیکتاتوری شاه" مبارزه میکرد تا گرایش که
 خواهان انقلاب بود... جمع گشته بودند. به کنسار
 رفتن محور مشی چریکی، فاصله این گرایشات از یک
 - دیگر را مشخصتر ساخته و آواچ گیری مبارزه طبقاتی
 در میهن ساقت شدن رژیم شاه را و بهر روی کار آمدن
 دولت جدید بورژوازی این فاصله را در جهت تعمیق و
 زرف شدن میگذارد. بعلاوه تعرض رویزیونیسم و سوسال
 امپریالیسم شوروی در عرصه جهانی به مثابه یک عامل
 بیرونی بر گرایشات درونی سازمان اثر گذاشته و
 نفوذ رویزیونیسم در این سازمان را تقویت می نماید
 مجموعه تحولات فوق منجر به جدا شدن بخشی از سازمان
 چریکهای فدائی از انقلاب و روی آوردن آن به
 بورژوازی میگردد. آن بخش از گرایشات خرد بورژوا
 - شی این سازمان که شدیداً منززل و وابسته گردیده
 و با گرایش ایدئولوژیک رویزیونیستی بازنمختگی
 میخندند مبارزه انقلابی را رها ساخته و هر اسان از آواچ
 - گیری انقلاب به اردوگاه بورژوازی روی می آوردند.
 هر اسان از انقلاب و توسعه مبارزه پرولتاریا ای انقلابی
 این جریان را و امیدار دتا در کنار بورژوازی پناه
 بگیرد و با انقلاب به همراه بفرخیزد. این جریان مانند
 همه جریانهای رویزیونیستی و اپورتونیستی در پی آن

"دریک بحران (....) اسبوهی قابل توجه از
 اپورتونیستها که از طرف بورژوازی حمایت و
 اغلب بسوسله آنها هدایت میشدند (این خصوصاً
 مهم است)، بسوی اردوی بورژوازی میروند، به
 سوسال لیم خیا نت میکنند، به راه طیفه کارگر
 ضرر میرسانند و آنرا خراب میکنند. در هر بحران
 بورژوازی همواره به اپورتونیستها کمک خواهد
 کرد همیشه بخش انقلابی پرولتاریا را سرکوب
 خواهد کرد، با کوچکترین عملی عکس العملی
 نشان میدهد و غیر قانونی ترین وظایم نه ترین
 عملهای نظامی را بکار میگیرد. اپورتونیستها
 دشمنان بورژوازی انقلاب پرولتاریا میباشند
 در زمان صلح آنها اعمال بورژوازی را به خود را
 در پوشش انجام میدهند به جستجوی پناهگاه در
 احزاب کارگران برمی آیند. در زمان بحران آنها
 آنها بلافاصله بعنوان متفقین مجموعه بورژوازی
 متحدان آنها فطه کار تا را ادیکالترین و دمکرات -
 ترین بخش آن از زاهد فکرات نا بخش مذهبی و
 متدین آن در می آیند. کسی که بعد از وقایع
 اخیر این حقیقت را درک نکرده باشد به عبث خود
 و کارگران را فریب میدهد."

(لنین - مقاله "واکنشون چی؟" در سوسال دمکرات
 شماره ۳۶ - ۹ ژانویه ۱۹۱۵)

مبارزه طبقاتی بیرحم است. این مبارزه در سیر
 فزاینده خود خط کشی و مرز بندیهای سیاسی - طبقاتی
 نیروها را روشنتر میسازد و در مقطع بحران و تحولات
 انقلابی اشعابات سیاسی را برجسته ساخته و پس
 اشعابات را به سمت اشعابات تشکیل دهنده جهت میدهد
 در حقیقت تغییر و تحولات در نیروهای سیاسی انعکاسی
 از تحولات و مبارزه طبقاتی در سطح جامعه است. اگر
 در دوران سیمت آرا همزیستی گرایشات طبقاتی
 مختلف در یک شکل امکان پذیر است، در دوران انفجارها
 و در پاشی حگوشی به منافع طبقاتی معین این گرایشات
 راه اشعاب را در پیش میگیرند. جدت مبارزه طبقاتی
 در جامعه آستان می طلبد تا خواستهای طبقاتی خود
 را با صراحت و بیگیری بیشتری تعقیب نموده و در جهت
 تحقق این خواستها به صف آرائی مستقیم علیه یکدیگر
 اقدام نمایند.

در چنین شرایطی اپورتونیستها و رویزیونیستها
 به سنها مرزهای خود را با دیگر نیروهای سیاسی پیش
 از هر زمان دیگر متمایز میسازند، بلکه همچنین بسا

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

با برلرلاب فراوان و سپهر طریق یک جناح را در مقابل
انقلاب آریایی مسمومند، اکنون آنان هر دو جناح
هات حا کمه را در درون صفو خلق بحساب میا ورسندو
مفطهیک بکنه را با دآوری میکنند که یک جناح از هات
حا کمه فاد "تحریه" سیاسی میباشد!

اگر آنان نادرور همین بهشتی و دارودینسه
خاش اش را جناح جنگ افروز هات حا کمه وحشی مرتجع
قلعدها دمیگردند، اکنون در مسرافنا دن به مصالح
کا مل رویزیونیستی نه دست بسوی اش می نشاندند، ما
می برسیم آیا همین بهشتی نسبت که حزب همهسوری
الامی! این حزب ضد انقلابی را رهبری میکند، همان
جزبی که دیوروش به خلقها، زحمتکشان و انقلابیون ماز هج
جنابستی فرود گذار نکرده است؟! آیا این بهشتی مزدور
نیست که پیش از هر کسی برای قلع و قمع انقلابیون
و در درجه اول کمونیستهای راستین بفرستد و
بر سرکوب خلق ترکمن، گشتا خلق کرد و تنها مسی
زحمتکشان میهن ما انگ شوق می افشاند؟

اما اکنون رهبری رویزیونیستی جریان اکثریت
میگوشد یا بیست به انقلاب روی سما می خنا بیتهای
این رژیم و سما جناحهای آن برده ما بر سبکند و خاک
بر چشم نهاده های بیاند، آنان در ابتدای مذاکره با کبری
خود را در برابر سوریوزوی سماش میگذا رند. "مدیسی"
به بهشتی مزدور چنین میگوید:

"اگر به شما اعتماد داشته ایم که در این حدیثوانیم
سما شیم این جا صحبت کنیم هرگز این کار را نمی
کردیم." (بمنقل از متن مذاکره)

آری این جریان رویزیونیستی از گزشتن دیر با بر
جناحی از هیئت حا کمه به سویدن آستان همه جناحهای
هیات حا کمه ایران میرسد، آنان جا کبری خود را در
مقابل بهشتی این چنین بیان میکنند که رژیم شاه
"چه پلا هائی هم بر هر گرد ام را آورده است. (هما نجا)
واقعا رژیم شاه چه پلا هائی "بیرس بهشتی، امام
جمعه ما جدا جدا مورگ آورده است؟ رژیم شاه کجا و راه
جرم ما زده انقلابی به زندان انداخته و شکنجه کرده
است؟! واقعیت این است که پس از آمدن بهشتی از
اروپا به ایران رژیم شاه و راه به سمت یکی از تدوین
کنندگان کتب درسی نظام آموزشی خود ما مورگ کرده بود
واقعیت این است که آفای بهشتی با تحمل "پلا ههای"
فراوان با رفتن جانی و با هنر مندول سما ز بیغروشی
شده و میلیونها تومان از عمارت زحمتکشان را به جیب
میزنند، واقعا و فاقه تمام نهاد زده دارد، جریان رویز
بیونیستی "فرخ نگهدار" و "شرکا" میگویند مرزا انقلابیون
جان برکف یعنی کمونیستها و مجاهدین و ما برین رادر
زمان شاه ما مرتجعی چون بهشتی مخدوش سازد، این
جریان از یک طرف به مرتجعین وجهه می بخشد و از طرف
دیگر میگویند خود را بیست "شهدای انقلابی خلق" که هیچ
ربطی به کسانی که به رویزیونیسم خوشتی در غلنیده
اند ندارد، بیتهن سازد، این جریان رویزیونیست
فرمت طلبانه میگویند شهادی انقلابی خلق را به
کالا هائی برای معامله با سوریوزوی تبدیل سازد.

جریان رویزیونیستی "فرخ نگهدار" و "شرکا" به پوده
میگویند خود را وارث سنتهای انقلابی "سازمان
چریکیهای فدائی خلق" و همه شهیدان آن نشان دهد، او
از این امر متعجب میکنند که از سوی رژیم "روزنا" مسه
سازمان که سابقه طولانی داشته و بیش از ۶۰۰،۵۰۰ نفر
شهید داده "ممنوع اعلام شود. (هما نجا) و قلیش متحون
از اعتماد به سوریوزوی است. برای او ما هیت طبقاتی
و ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی معنائی ندارد و به
همین خاطر برایش عجیب منظر میرسد که حزب جمهوری

اسلامی با رور ما سازمائی که آنهمه با عهده ما رزائی
دانشه مخالفت ورزد، آری رویزیونیستها همه سرتاری
فریب مردم و بدست آوردن دل سوریوزوی ما هبست
طبقاتی اعمال و اقدامات ارتجاع حاکم را می بوسا
نند، آنان حزب جمهوری اسلامی را دآوری عادل می
دانند و او را به دآوری سرتا عهه انقلابی یک سازمان
مبارر فرما میخواهند، آنان آکا هانه این ضلله را به
دست فراموسی ممبا رید که رژیم ارتجاعی کنونی بسا
بر ما هیت طبقاتی اش سرکوب کننده آزاردهای دمگرا نیک
است و بسا بر خطم ارتجاعی سوریوزوی حاکم است که
روزنا مه کار (علیرغم همه گرا بسا ت رویزیونیستی اش
فصل از کار ۵۹) نیز همچون مطبوعات انقلابی ممنوع
اعلام میشود، آنان نه تنها دستان غرقه در خون بهشتی
جلاد را میبوسند و اعتماد خود را به سوی ارازمیدارند،
بلکه سوی رامننا و روسیای خویش نیز میسازند، بسا و ر
نمی کنند؟ بیستند به بهشتی چه میگویند:

"اگر محل دیگری برای فعالیت در نظر بگیریم،
فکر می کنید در این شرایط کنونی جوسا سی
کسوراکان پذیره هت با نه؟" (هما نجا)

آقایان رویزیونیست، شما با بیتهن نا خفتن
ما هیت بهشتی ها خاک بر چشم خلق می باشد، ولیسی
بدانید بهشتی آنقدر سوسا ت که جا بیلوسی و غمزه های
مشمز کننده آن نسبت به بهشتی نمی تواندمردم را
فریب دهد، مردم آکا بهجای اجاره برای امور خود راه
مبارزه با رژیمی که بهشتی ها در راس آن می باشد
را برگزیده اند، گزشت شما تنها نفرت کمونیستها و
توده های آکا هرا بیست از بیست برمی انگیزد.

بدین ترتیب منوجه میشود که رویزیونیستها
برای کسب امتیازات حزبی از سوریوزوی چگونه جیره
سوریوزوی را سفاقی کرده و به آن تعلق میگویند،
اینان از آکا به بقول لنین به مبارزه طبقاتی و
انقلاب اعتقادی ندارند و بیست به بیولنا ریسا و
توده ها دارای اعتماد نمی باشند در بی عملی با خشن سائین
طبقاتی و کسب امتیازات حزبی از سوریوزوی می باشد
به او گزشت کرده و به حیوانا نه ترین شکل تعلق میگویند.
رویزیونیستها می گویند دنا باقی انقلاب و خوش
آب و روگ نشان دادن چهره طبعه مستر کرا کمونساندگان
آن، بیولنا ریا و سرتا عهده ها را فریب داده، با اسکبه
سوریوزوی به عهده خود وفا کند و آنان را مورد لطف خود
قرار دهد، آری بقول لنین یکی از ویژگیهای اپورتو
نیسم رویزیونیسم "بی اعتمادی نسبت به بیولنا ریا
و اعتماد به سوریوزوی" است. رویزیونیستها از کسوبه
آستان سوسی درگاه سوریوزوی همت می گمارند و از سوی
دیگر خاک در چشم خلق می سازند و به سوریوزوی خدمت
می کنند.

آری بقول لنین: "سوریوزوی نوکرانی لازم دارد که
بخشی از طبقه کارگر به آنها اعتماد داشته باشند.
نوکرانی که سوریوزوی را با اعتبار بردازی های
خود در سارا مکان راه فرامیسی، بسا زانند و
زیبا کنند، نوکرانی که ما این عبارت بردار بسا
خاک در چشم خلق بسا شند و خلق را نا رنگ آمیزی
مواعد و مکانات را راه فرامیستی از انقلاب منصرف
گردانند."

(دیاره و طایف انترناسیونال سوم - ۱۴ و ۱۹۱۹)

رویزیونیستها مسئله جنگ عادلانه...

منازات فهر ما نه خلق کرد سوریوزوی و
رویزیونیستها را سرتا عهده است، آنان میترسند
آتش این منازات بر حرم خشم فرو کوفته سما سی

زحمتکشان ایران را شعله و سرتا عهده برای خاموش کردن
این آتش انقلابی سوریوزوی نه وحشانه ترین سرکوبها
روی آورده و رویزیونیستها و اپورتونیستها به حمایت
از او برخواسه و سرتا عهده هورا می کنند. سوریوزوی در
همان زمان که منظر به را سورتا عهده آوردن خلق کرد به
سرکوب وحشانه برده اخته بود برای تضعیف انقلاب به
ناکتیکهای دیگری نیز روی آورد، رژیم همواره برای
جدا کردن انقلابیون بیشتر گه با زمانهای سیاسی از
خلق دلاور کرد بطریق کوشیده است، او در همان زمان
که هات های "حسن نیت" (!؟) به کردستان می فرستاد
ادعا میکرد که این گروهی سیاسی هستند که جنگ راه به
مردم کردستان تحمیل کرده اند، بدین ترتیب رژیم
سعی می کرد از یک سو توده های زحمتکش را از نیروهای
انقلابی جدا نموده و از سوی دیگر از طریق سازش با برخی
از نیروها جنبش را به انحراف و کجراه بکشاند و بسا
ضربه وارد نماید، اما جدت مبارزه انقلابی خلق کرد و
بیشتر گه های دلاورا و اجاز هت دنا طرح فوق اجرا شود
و نیروهای سازشکار را موجود در کردستان آتکارا با رژیم
کسار آیند، به این لحاظ ارتجاع حا کم بطور متمرکز
و وحشانه تری به حمله علیه جنبش کردستان برخاست و
جنگ خونینی را به مردم زحمتکش کردتجمیل کرد.
ارتجاع در پی آن بود تا برای همیشه انقلاب را خاموش
کند، ارتجاع در پی آن بود و هت تا جنبش خلق کرد این
بیشتا زما رزه انقلابی جا ضررا در خون خفه کند، اما
خلق کرد و بیشتر گران جان برکف و همچون گذشته به مقاومت
مسلحا به روی آورده اند، ارتجاع جنگ را تحمیل کرد،
اما خلق کرد نیز خاموش نما ندا و سرتا عهده جنگی عادلانه
روی آورد، منافع انقلاب می طلبید تا در برابر جنگ
ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم حاکم، جنگی عادلانه و
انقلابی قدر ارازد، و خلق کرد چنین کرد.

رویزیونیستها که مخالف انقلاب می باشند هیچ
عادلانه را محکوم کرده و سرتا عهده جنگ غیر عادلانه
قرار میدهند، آنان بجای حمایت از جنگ عادلانه و
انقلابی توده ها به مخدوش کردن جنگ انقلابی و ضد
انقلابی می پردازند، در همین ارتباط است که "فرخ
نگهدار" را تا فکری عمقا رویزیونیستی در مورد جنگ
کردستان به بهشتی می گوید:

"ما اکنون چنین وظیفه ای را بر عهده خود میدانیم
که این فضا محیط جنگ زده را که بین مردم و
نیروهای سیاسی در کردستان بوجود آمده ...
حل کنیم." (هما نجا)

از نظر بیان این رژیم حاکم نسبت که جنگ غیر
عادلانه را به خلق کرد تحمیل کرده بلکه "محیط جنگ زده"
موجود از درگیری "مردم و نیروهای سیاسی" ناشی گشته
است! رویزیونیستها جنگ ارتجاع را محکوم نمیکنند،
آنان در پی آنند تا جنگ بین انقلاب و ضد انقلاب را
"برادرگتی" جلوه دهند! آنان میگویند ما ما هیت ضد
خلقی ارتش و دیگر نیروهای سرکوبگر را بیوشتا نند و
جنگی را که بین خلق کرد و بیشتر گران رزمنده و از یک
سو نیروهای سرکوبگر دولت جمهوری اسلامی از سوی
دیگر جریان دار در اجنگ "برادرگتی" وانمودا سازند،
روشن است که منظور کمونیستها از نا بود کردن و تخریب
ارتش سمنا به یکی از ارکانهای سرکوب ارتجاع کشتن
برپا زان نمی باشد، مسئله اساسی نا بوداختن میسم
حا کم سرتا عهده، نظام و سلسله مراتب ملط بسر آن،
ایدئولوژی حاکم بر آن، فرماندهان و افسران مزدورو
عد انقلابی و در یک کلام یکسختن شیرازا ارتش می باشد،
سرتا عهده و افسران جزء، فرماندهان کارگران، دهقانان
و اقنا زحمتکش جا می باشد، بیان به سبب فرهنگ

رویزونیستها میگویند یا را از گلیم بورژوازی نباید بیرون گذاشت

"کا تونسکی از ما رکیسم آن چیزی را که برای
لیبرالها و بورژوازی پذیرفتنی است (۰.۰) بر
می گیرند. ولی آنچه را که برای بورژوازی نا -
پذیرفتنی است (یعنی اعمال فئرانقلابی
پرولتاریا علیه بورژوازی برای نابودی آن)
بدور می اندازند مسکوت میگذارد و روی آن ساقه
میاندازد. با این جهت است که کا تونسکی ناگزیر
و سه حکم وضع عرفی خود را از این که راهی هرنوع
استفاددهنی گمائی هم که باشد چاگز بورژوازی از
آب درمی آید" (لنین - انقلاب پرولتاری و
کا تونسکی مرتد)

رویزونیستها از آنجا که متکی به مثنی ای بورژوازی
می باشند و گرنش وساستهای آنان ملهم از جهان بینی
بورژوازی است ، بدین لحاظ علل آن نقطه ای سه
پیش میروند که جهان بینی ملط بر آنها حکم میکند ،
خواستها ، سیاستها و شعارهای ، رویزونیستها اما سا
محدود و به جهت مناسبات بورژوازی میگرد و
نمی توانند هم فراتر رود . آنان در پی آن میباشند تا
املاحتی صورت بگیرد بدون آنکه حاکمیت بورژوازی
خنده را برگیرد . آنان از آنجا که به بورژوازی اعتماد
دارند و به طبقه کارگر و توده ها پشت کرده اند بر اساس
مثنی رویزونیستی خودخواهان امتیازاتی میباشند
که برای بورژوازی قابل قبول باشد .

عما نظور که میدادیم جریا ن رویزونیستی اکثریت
رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم "فدا مبریا لیست"
قلمداد میکند و معتقد است که نیروهای سیاسی با بداز
این رژیم حمایت کرده و فراتر از آن نباید اقدامی
علیه دولت حاکم انجام دهند . از نقطه نظرا این جریا ن
اپورونیستی ضربه به دولت حاکم - که جز دولت بورژوازی
چیز دیگری نیست - "چپ روی" توده و مابا رزه علیه این
دولت ضد خلقی "ا را رژیم" میماند . شما بندگان این
جریا ن برای طرح خواستهای حقیرانه خود چینی -
می گویند :

"بنظر ما یک طرفیستی از حکومت وجود دارد که این
مسئله طرح میشود" (هما نجا)

آنان میخواستند بورژوازی را به اقدامات رفر -
میستی وادارند تا از جنگ خلق علیه حکومت جلوگیری
نمایند . اما بهشتی در برابر این چالپوسی ، بازرومندی
یک فرمانروای مستبد بندگان خفیر رویزونیستش
برخوردی قاطع !! میکند و به آنها نشان میدهد که اهل
نان شیرینی نمیباشند و نمیخواهد متبازی بدهد .
اما رویزونیستها ا را را میکنند و می گویند : ما به
"این حداقل حقی که در چا رچوب جمهوری اسلامی
قابل قبول است ... امتیاز نمی گوئیم ... ما
میگوئیم بخشی از آن ما وانی است که نیست
میگوئید و در کل نیروهای زحمتکش میخواهند
ایجاد کنند" . (فرخ نگهدار - همانجا - تا کنید
از ما ست)

قبل از هر چیز رویزونیستها یک را دیگر به نظم
بورژوازی حاکم سوگند میخورند و . سرام خود را نسبت
به "چهارچوب جمهوری اسلامی" ا برام میدارند و سپس
دست تکی در برابر بورژوازی دراز میکنند و "حداقل

خلق کرد با سخ گوید ، تنها کاری که با بدناحما دا این
است که "نگرانی خاطر" توده ها رفع شود توده ها به
بورژوازی اعتماد پیدا کنند زیرا "حق ضایع شده" به
آنها داده خواهد شد ! رویزونیستها میخواهند بگویند
که اگر "گروهکهای چپ نما"ی "ا ن فکر را که رژیم" سه
میخواهد و نه میباید "حقوق خلقها و از جمله خلق کرد
را به آنها بازگرداند ، از ذهن توده ها بیرون بیاورند
آنان میخواهند بگویند دولت جمهوری اسلامی میخواهد
و میتواند "حقوق خلق کرد را به و بازگرداند ، آری
آنان میخواهند با جلب اعتماد توده ها نسبت به
بورژوازی ، توده ها را فریب دهند و اینان را از جنگ
عادلانه خود منصرف سازند .

لیکن در برابر این کرنش و در پیروگی در مقابل
بورژوازی ، بورژوازی کوتاه نمی آید . هیئت حاکمه
به انتماسهای رویزونیستها بی اعتناست . رویزو -
نیستها میگویند تا با هیت هیئت حاکم را بیوشتند ،
ولی خود هیئت حاکم این ما هیت را بدست خود افتا
میکند . در همین ارتباط است که بهشتی در مقابل در -
خواست "حق ضایع شده" میگوید :

"اگر شما آمدید یک امتیاز ویژه بیک گوشه ای از
کشور دادید ، زمین را برای امتیاز خواهی در
جاهای دیگر فراهم کرده اید" . (هما نجا)

بدین ترتیب بهشتی با صراحت اعلام میکند که نه
تنها در مقابل خلق کرد ، بلکه در مقابل همه طبقهای
ایران می ایستد ، او در برابر اداری از فدا انقلاب حاکم
میگوید اگر خلق کرده حقوق خود دست یابد ، سرمنشی
برای دیگر خلقها خواهد شد و این امر به هیچوجه برای
هیئت حاکمه مندرمی تحمل پذیرسی می باشد . اما فرخ
نگهدار و شرکا ی رویزونیست برای دلالتی به فریب
نزدیبهشتی رفته اند . آنها میخواهند به امتیازات حقیر
خود برسند و برای این منظور هر چه زودتر "عالمه" را
بخوابانند . آنها میخواهند به بورژوازی بفیما نند
که نفع او در پایا ن دادن به جنگ است . در برقراری
ملح میباشند . آنها به بورژوازی اطمینان میدهند که
این ملح بنفع حاکمیت بورژوازی است و به همین
خاطر به بهشتی از "ا نشیسی که حاکمیت جمهوری اسلامی
است" سخن می گویند . (هما نجا)

بقول لنین اپورونیستها "سرام به داران را از
انقلاب میترسانند" و میگویند "آنها را بقبول راه
رفرمیستی وادارند" . جریا ن اکثریت رویزونیستی
نیز میگویند تا به سران جمهوری اسلامی بقبولانند که با
توب و فاستوم نیا بدیه پیش رفت ، بلکه با بدنگان
شیرینی داد ، بلکه با "امتیازاتی" اعطا کرد ، زیرا
تنها از این طریق است "که ما می توانیم بیک چرخش
نوبنی رادر قاعی کردستان ایجاد کنیم" (مدنی -
هما نجا)

چوهر کلام رویزونیستها چنین است : به خلق کرد
نان شیرینی بدهد تا ما کت شود و ما نیز نان شیرینی
بدهد تا ما میان رژیم جمهوری اسلامی باشیم . آری ،
اینست جان کلام رویزونیستها یعنی که به با بیوسی
بورژوازی شتافته اند .

و ابد ثولوزی ارتجاعی و فقر زندگی در ارتجاعی
بکار گرفته شده و در نتیجه در خدمت فدا انقلاب حاکم
می باشند . بدین لحاظ کمونیستها می گویند تا علاوه
بر سایر طبقات و افشار انقلابی در میان سرسازان
فعلی است آگاهانه نبوده و آنان را به سمت انقلاب
سوق دهند . ولی رویزونیستها می گویند تا ما هیئت
ارتجاعی ارتش را بیجان ساخته و ا را "برادر" توده -
های مستعبد قلمداد ما بید حال آنکه ارتشش در
جوامعی که طبقات ارتجاعی حاکم اند ما هیتی ضد
خلقی و ارتجاعی دارد . رویزونیستها میگویند تا اب
توبه بر سر بورژوازی ریخته و آنرا نظهر ما بید ، آنان
میگویند تا دستا ن خون آلود چنانکا رژیم جمهوری
اسلامی را بیوشانند و به مردم دروغ بگویند تا به این
ترتیب بتوانند بورژوازی ، "امتیازاتی" دریافت
کنند . لنین می گفت :

"بورژوازی سرا سر جهان که با تمام قوا ، با کوشش
عظیم ، با درایت و عزمی راسخ از هیچ جنایتی
روگردان نیست عده کثیری از کشورهای سه
گرنسکی و بنا بودی همگانی محکوم است .
سرکوبی پرولتاریا راد جنگ داخلی فرار سنده
ندارک می ، بید و فخر ما نان انتزاعی سونسال
برن ما نندا احقان و با آخوندهای ریاکار و با
پروفسورهای فضل فروش ، ترجیع بند کهن و
مبتدل و فرسوده و رفرمیستی را سرداده اند .

منظره ای از این زشت تر و نفرت انگیز تر وجود
ندارد . کا تونسکی ها و ما کدونتا لدها همچنان
سرام به داران را از انقلاب میترسانند ، بورژوا -
زی را جنگ داخلی تهدید میکنند تا از آنها
امتیازاتی بگیرند ، آنها را بقبول راه رفرمیستی
وادارند" . (دربار و وظایف انتزاعی سونال سوم)

جریا ن رویزونیستی اکثریت میخواهد جنگ در
کردستان را خاموش کند ، کدام جنگ ؟ جنگی که "بین
مردم و نیروهای سیاسی" در گرفته است ، و با در حقیقت
جنگی که جنگ مردم علیه جنگ ارتجاع است . اومی -
خواهد با صلاح دید بورژوازی مسئله "فما و محیط جنگرده"
را "حل" کند . رهبری رویزونیست اکثریت در پی ما ریش
با بورژوازی است ، ولی او میداند که با "فدا مثنی"
برای بورژوازی انجام دهند تا بتوانند امتیازاتی به
چنگ آورد . بنا بر این او در پی آنست تا مسئله را "حل"
کند یعنی جنگ عادلانه و جنبش کردستان را خاموش کند

او برای اینکه بتواند بهیتر به دولت حاکم خدمت کند
مطرح می نماید : مردم کردستان "این را (منظورا ز بدست
دادن حقوق و کشتا رفرزندان خلق کرد است - پیکار)
همه از چشم دولت موقت گذشته میباشند . فکر میکند این
حق ضایع شده به او داده نخواهد شد" . (مدنی - همانجا)
توگوشی که دولت با زرگان ما هینا با دولت بنی -
صدر تفاوت دارد ! توگوشی دولت بنی صدر ما نندا دولت
با زرگان مردم کرد را به خاک و خون نکشید ! توگوشی
بهشتی مزدور ما نندا با زرگان مرنج در کشتا رخلق کرد
اشک شوق نریخت ! کمیته مرکزی رویزونیست ما زما ن
چریکهای فداشی خلق زیر کانه میگویند تا چنین وانمود
سازند که مردم قهرمان کرد فقط مخالف دولت با زرگان
بوده و همه چیز از نقطه چشم او میداند ، و بطور ضمنی
چنین وانمود میسازند که گویا رژیم فعلی دارای آن
طرفیت انقلابی است که میتواند به خواستهای توده های

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

حق را خواستار می شود. رویزیونیستها از "مسئولیت" بورژوازی صحبت کرده و از سرمایه داران میخواهند تا به نفع شیروهای زحمتکش عدالت را رعایت کرده و تساوی حقوق را محترم بشمارند! عدالت و مساوات بدون مفهوم طبقاتی آن معنایی نخواهد داشت. اگر دیدگاه بورولتا را عدالت و مساوات یعنی برقراری دیکتاتوری بورولتا را و سرکوب بورژوازی و دست دادن جامعه سوسیالیستی بسوی جامعه سی طبقه کمونیستی، حال آنکه از دیدگاه بورژوازی عدالت و مساوات یعنی استمرار دیکتاتوری بورژوازی علیه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان است. هرچند هرچه بیشتر سرکوبی طبقاتی و استثمار توده ها، هیچگاه بورژوازی به نفع شیروهای زحمتکش نمیتواند مساوات را اجراء نماید. هیچگاه بورژوازی منافع سرمایه را قربانی منافع بورولتا نخواهد کرد. بلکه بورژوازی از "عدالت و مساوات" صحبت میکند تا بتواند طبقه کارگر و سایر توده ها را فریب دهد، او هرگز حتی یک قدم نیز نمی تواند در راه منافع زحمتکشان کام بردارد.

روشن است که موافقی میرسد که تحت فشار مبارزه طبقاتی ارتجاع حاکم مجبوری شود عقب نشینی ها نمی شود و امتیازاتی جزئی و گذار نماید ولی مطلقا که هرگز نباید فراموش کرد اینست که بورژوازی این امتیازات را برای اساسی ما هیت خود او گذار نمی نماید او تحت فشار سنگین مبارزه طبقاتی مجبوری عقب نشینی میکند. در واقع او راه دیگری ندارد جز عقب نشینی و طبعاً از چنین عقب نشینی ها بی جنبش خلق ما باید آگاهانه بهره جست و در جهت رشد و توسعه مبارزه طبقاتی بکوشد. بورژوازی میکوشد با دادن امتیازاتی جزئی خود را از مهلکه مرگ رها سازد حال آنکه بورولتا را باید بکوشد تا مبارزه انقلابی خود را انکشاف بخشد. اما رویزیونیستها آگاهانه همه این مسائل را به دست فراموشی می سپارند و از زخبلانی مانند مساوات آقای بهشتی برای زحمتکشان ایران! حرف میزنند. مساوات آقای بهشتی دروغ و قیافه های بیش نیست. مساوات آقای بهشتی چرا زادی برای سرمایه داران، جزغارت زحمتکشان و جزغارت زحمتکشان کرد و ترکمن و تیرباران انقلابیون نیست.

ولی از نظر رویزیونیستها این "مساوات" چگونه قابل اجراء است؟ چگونه حقوق زحمتکشان خلق کرد پاسخ داده میشود؟ رویزیونیستها خود جواب می دهند:

"گردولت جمهوری اسلامی نظر خود را در اجتماع به این طرح شن مادهای اعلام میکنند که متلابدیگ از این طرح شن مادهای همان چیزی است که روزنامه جمهوری اسلامی از قبیل پذیرفته، حداقل این با یک چیز دیگر با بندوبست ساده دیگر... درجا شبه طرح شن مادهای آیت الله توری یک چیز نوشته، اگر یک چنین چیزی بشود ما دارا بنجاح نمیدانیم که متوقف نکنیم... یعنی آتش بس بر فراز شود، آتش بسی که کامیونست جمهوری اسلامی است" (هما نجا)

سیاست رویزیونیستها چیست؟! اینکه بهر حال لقمه ای جلوی مردم محروم کردن آنرا نماند و تا ساکت نشوند و اینکه ما این آراش و آتش بس رژیم جمهوری اسلامی نتوانیم خود را تثبیت کند، بسرای رویزیونیستها کافی است که بورژوازی اعلام کند که "فلان بندش را قبول داریم ولی بقیه اش را قبول نداریم" (هما نجا) برای رویزیونیستها کافی است تا امتیازاتی حقیرا از بورژوازی در یافت کنند تا منافع و مصالح اساسی انقلاب و خلق و طبقه کارگر را حتمی

فراموش شود. بحول لندن: "سیاست رویزیونیستی عمارت است... فراموش کردن منافع اساسی بورولتا را و خالص اصلی کلسه رژیم سرمایه داری و کلیه تکامل تدریجی سرمایه داری، فدا کردن این منافع در مقابل منافع آبی واقعی و یا فرضی... (ما رکیسم و رویزیونیسم): بلکه رویزیونیستها میخواهند تا بورژوازی بهر حال "مادهای" اضافه کند یا مطلقا در جانشین بنویسد تا خلق کرد آرا بگیرد. این خیانت به منافع خلق کرد است. خلق کرد هیچگاه هدیت تکدی و گذاشتن بسوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دراز نمیکند، اومی جنگند تا اینکه حقوق خود را به زور از طبقه بورژوازی بیرون بکشند. او تعلق بورژوازی را نمی گوید، او چا بلوپی نمیکند تا امتیازاتی جزئی به جنگ آورد، او مبارزه میکند تا بورژوازی را شکست دهد. اگر "رویونیسم دایره قبول مبارزه طبقاتی را به ابره مناسبات بورژوازی محدود میکند" (لندن: "دولت و انقلاب") کمونیستها و خلق رزمنده کرد با آرا ز گلیم بورژوازی بیرون می گذارند، آنان نه خواستهای خود را محدود به خواستهای بورژوازی می کنند و نه مبارزه خود را در چارچوب بورژوازی نمی نمایند. آنان مبارزه میکنند تا قدرت بورژوازی درهم شکسته شود. اما رویزیونیستها، این چا کران بورژوازی حقیرانه تعلق میگویند تا قدرتمندان حاکم مدقه سردهند.

هنگامی که رویزیونیستها علیه "کموناردها" مبارزه میکنند

رویزیونیستها از انقلاب میهراسند. آنان از طبقه کارگر و توده ها حرف میزنند اما از به طبعیان در آمدن طبقه و توده ها و حجت دارند. رویزیونیستها برای س منی سازش طبقاتی خود به بورژوازی اعتماد داشته و از آنجا که هدف خود را گرفتن امتیازاتی در چارچوب مناسبات موجود قرار داده اند بنابرین مبارزه طبقاتی و انقلابی برای آنان ارزش ندارد. رویزیونیستها نمی خواهند قدرت بورژوازی را از گزین کنند، آنان نمی خواهند بورولتا را به کسب قدرت سیاسی نائل شود، زیرا رویزیونیستها تحقق اهداف خود را در تحت حاکمیت بورژوازی میرومکن میدانند بنا بر این آنان مخالف انقلاب اجتماعی و درهم شکستن ماشین دولتی بوده و از به جریان افتادن سیل قدرت لایزال توده ها و حجت دارند. اگر انقلاب بلند شود، اگر بورژوازی از قدرت فرو افتد و اگر کمونیستها راستین بر سر کار آیند، رویزیونیستها چگونه میتوانند به منافع خود دسترسی پیدا کنند؟! انقلاب بیرونیگران و متحدین بورژوازی را در زیر قدمهای سنگین خود خرد خواهد کرد و به این خاطر رویزیونیستها چرا از انقلاب نهراسند؟

میدانیم که بحران انقلابی با معادله داده شده و مبارزه توده ها در سبتر اعتدالی خویش به پیش میرود. توده های آگاه، بیشتر از پیش به مبارزه انقلابی خود عمق می بخشند و توده های نا آگاه، بیشتر از پیش از رژیم حاکم کینه میشوند و به صف مبارزه میپیوندند فعلا لیت آگاه هرگز کمونیستها و سایر انقلابیون و تجربه مستقیم خود توده ها به سرعت بر فرور بخت توهیم طبقه و توده مددی را ندوینا گزیر جریان مبارزه طبقاتی سهمگین ترمیگرد و کمونیستها نمیتوانند به استقبال نکشند این مبارزه رشدهند، هما منظور کم رویزیونیستها نیز می توانند به رشدهند چا رشتوند. با اندروزیونیستی فرخ نگه دار در برابر بر بهشتی

و حجت و تکراسی خود را بسایر می گذارد، او صحبت از "حسین بدن او" و "ملکت و براتل" سخن میگوید. کدین آمده "میکند و تکراسی شدید خود را از سی اعتمادیدن مردم نسبت به حکومت اسلامی جنین بیان میکند." در ماههای اخیر ریز و ریز این تبلیغات و اس عدم اعتماد دارند اما من زده میشوند اما همین را یکی از دیده های "خطرناک" میدانیم (ما هم تصدیق میکنیم که سلب اعتماد توده ها از بورژوازی برای بورژوازی بسیار خطرناک است!)، رویزیونیستها آرا نمیکشند تا آن میخواهند به قریب دی بورژوازی برسند و به همین خاطر میگویند:

"ستوان حداقل اعتمادی را که از این رفقه ایجاد کرد و با جلوی جنگ گرفته شود"، "روحیه" آبی که در سه میلیون، چا رملیون خلق کسرد و خود را در اینست که آنها میخواهند همه ما را بکشند."

و بالاخره ما امسوس نای از وحشت می گویند:

"خو خراب نده است"، (همه نقل قولها از متن مذاکره است)

آری، رویزیونیستها از انقلاب میترسند، آنان خواهند که مبارزه با انقلاب می باشند، زیرا انقلاب را هم برای بورژوازی و هم برای خود خطرناک می بینند اگر طوفان انقلاب بلند شود و بر خط سازش نا پذیر و پیگیر به پیش رود مرگ بورژوازی و ارتجاع فرارسیده و فرمیشتها، رویزیونیستها و بورونیستها درهم شکسته خواهند شد. پس چرا رویزیونیستها بیخود نترزند؟ سازمان جریکهای فدائی (اکثریت) که به جنبه رویزیونیستها در غلبیده، از آنجا که امروز بر سیاست لیبرال-رویونیستی استکا دارد از انقلاب میترسد و همین خا طرات که کندند شدن توده ها از ارتجاع و روی آوردن آنان به مبارزه و انقلاب را "خطرناک" ارزیابی کرده و مطرح میکنند که باید "جلو جنگ" (در واقع جلسوی مبارزه- پیکار) گرفته شود. مسئله اساسی این جریان رویزیونیستی نه عقب نشینی تاکتیکی و موضعی، بلکه نفی عدت یابی مبارزه طبقاتی و جنگ انقلابی است. او از جنگ مقاومت خلق کرد و حجت کرده است، او از تادوم مبارزه صیقا و او جگری بیشتر آن هرمان است و همین خا طرات که درسی خا موش کردن شعله مبارزه و انقلاب است.

در بین یک جامعه طبقاتی بحران زده مبارزه طبقاتی نتا گزیر انکشاف و توسعه پیدا میکند. هیچ اقدام خود سیرانه ای مبارزه طبقاتی متکی بر ترفندهای عینی طبقاتی را نمی تواند از این سپرد و نا بود سازد چنین مبارزه ای با امکان می یابد اگر با فدا کند و با آن موقعیت لازم را پیدا میکند که بر اساسی انقلاب بیروز به پیش رود. در شرایطی که مبارزه طبقاتی موج های مانع را پس زده و استوار به جلو میرود، سرعقت و حجت بورژوازی و رویزیونیستها افروده میگردد. آنان میکوشند تا با تمام قوا به مقابله برخیزند. هر چه انقلاب به پیش رود به همان میزان کینه و درنده خوئی ضد انقلاب افزایش یافت و رویزیونیستها به تلاش وسیع تری جهت نجات بورژوازی کشیده میشوند. هر چه انقلاب به پیش رود مبارزه بورولتا را انقلابی بر آسند چشمگیری پیدا کند به همان میزان اتحاد رویزیونیستها با بورژوازی خودی نمایان ترمیگردد. تمرکز و پیشرفت انقلاب، صف مقابل را فترده ترسای خسته، بورژوازی را هار تر نموده و رویزیونیستها و بورونیستها را به دفاع سرخاسته تری از بورژوازی میکشاند. در همین ارتباط موضع جریان رویزیونیستی اکثریت جالب توجه است، اومی گوید:

"ما متعهد میشویم... حالت جنگ را از زمین ببریم و آتش بس را بر فراز کنیم". آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است، حتی هر نیروی خارجی و هر نیرویی که بخواد هم مثل ما زبانه نهد، ما تعهد متقابل می‌دهیم بر این که اگر کسی مسئولیت کمتری بخواد هنداسا بسکتد بر عهده نمی‌گیریم" (هانا جا)

واضح تر از این نمیتوان سخن گفت. روبریزو - نیستنها در برابر ریزو آزی سوگند می‌خورند، که در برابر نیروهای بیگیرا انقلاب و نکامل مبارزه طبقاتی بایستند. آنان سوگند می‌خورند که حاکمیت بورژوازی را محترم شمرده و با سدا ران بایستند. آنان سوگند می‌دهند که در برابر ریزو آزی سوگند می‌خورند که در برابر ریزو آزی دفاع نمایند. اینست فضا تحت ریزو نیست، اینست عمق ارتداد. اینست بیان خیانت آشکار نیست به انقلاب و پرولتاریا. لنین می‌نویسد: ریزو نیستنها و اپورتونیستها:

"عالمین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزین کارگری طبقه سرما به داران و مجریان حقیقی رفرمیسم بورژوازیستند. در جنگ داخلی پرولتاریا علیه بورژوازی بسیاری از اینان به طرفداری از بورژوازی، به طرفداری "ورسایشها" علیه "کمونا ردها" برمی‌خیزند". (امبریا لیس)

بمنا به بالاترین مرحله سرما به داری
آیا جوهر کلام لنین در سیاست رهبران جرمان ریزو نیستی اکثریت با رزوا آشکار نیست؟ این سازمان امروزه فاع از بورژوازی دولت خاکم بلند شده و مشی رفرمیستی و سازشکارانه را تبلیغ میکند. این سازمان امروزه اعلام میکند که در جنگ داخلی حاضر است علیه نیروهای کمونیست بایستد و از بورژوازی در قیادت حمایت کند. جرمان ریزو نیستی اکثریت ما صدای رسا اعلام میکند در جنگ علیه "کمونا ردها" حاضر است در کنار "ورسایشها" صف آرائی نماید. شاید ما بگویند این جرمان ریزو نیستی به چه دلیل عامل بورژوازی و جری رفرمیسم بورژوازیست؟ پاسخ ما اینست: اگر امروز این جرمان اپورتونیستی در بهترین حالت به نفعی آشکار همه اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم نپرداخته است ولی همین جرمان پیدا کننده مضمون ریزو نیستیم و خوشحالی مینماید. از این مسئله می‌گذریم که این جرمان هیچ موضع آشکاری علیه ریزو نیستیم خوشحالی ندارد، اما مهمترین نکته مضمون خوشحالی در سیاست و عملکرد این جرمان امری آشکارنا پذیر است. مگر نه اینکه ما از طبقاتی و نفعی مبارزه طبقاتی و انقلاب جزو مضمون ریزو نیستیم خوشحالی است؟ حال آیا این مضمون در سیاست جرمان اکثریت عیبان نمی‌باشد؟ آیا این جرمان از رژیم جمهوری اسلامی و هیئت حاکمه فدا حلقی حمایت نمی‌کند؟ آیا این حمایت معنای دیگری جز نفعی مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی حاکم و نفعی انقلاب دارد؟ آری واقعیت اینست که این سازمان بجای ایده انقلاب، رفرمیسم و سازشکاری را در میان طبقه و نوده ها رواج میدهد. بجای پیشبرد یک مبارزه انقلابی سیاست طبعی بورژوازی را در دستور کار خود قرار داده و حتی حاضر است در کنار بورژوازی علیه پرولتاریا و سروهای طرفدار آزادی طبقه کارگر به سرخیزد. آری واقعیت

اینست که اینان خرده بورژواژی می‌باشند که به جنبه بورژوازی بنا آ آورده و با طاهری مارکسیستی مقامین ضد پرولتری و بورژوازی خود را تبلیغ مینمایند اینان از مارکسیسم حرف می‌زنند ولی آنچه باده می‌کنند جز "لیبرالیسم" می‌باشد "و ایده های ریزو نیستی جری دیگری نیست، جز متنی سازش طبقاتی و نفعی انقلاب جری دیگری نیست."

ریزو نیستها و انحلال طلبی آنان

ریزو نیستها که متکی بر سیاست ضد مارکسیستی و بورژوازی می‌باشند و طبقه داران افکار و عقاید ریزو نیستی - بورژوازی را در میان طبقه و نوده ها تبلیغ می‌نمایند، در عین حال انحلال طلب نیز می‌باشند آنان مبلغین و مجریان متی ریزو نیستی می‌باشند یعنی آنان در میان نوده ها اعتماد به بورژوازی را تبلیغ کرده، نوده ها را از انقلاب منصرف ساخته و حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را در نزد طبقه کارگر و زمینگان موجه و قانونی جلوه میدهند. آنان بجای اینکه انقلاب اجتماعی را بنا به نفع آنها به پیشرفت و تحول جامعه در میان پرولتاریا و سایر نوده ها طرح نمایند و تبلیغ و ترویج کنند، گرفتن امتیازات و انجام رفرمها را در نظام حاکم را بمثابه راه اساسی تحول اجتماعی و راه نجات از امارت و بردگی سرما به - داری و انمود می‌نمایند. بدین ترتیب آنان حتی اگر از مبارزه طبقاتی محبت کنند ولی در جوهر مشی و سیاست خود عملگر در وقت را خود مبارزه طبقاتی را نفعی نموده و آشکارا نفع سرما به داری را می‌گویند. زیرا اگر بخوانیم در درکی لبرالی از مبارزه طبقاتی محبوس نمائیم، ما باید اعتراف کنیم که مبارزه طبقاتی تمام عیار پرولتاریا به مفهوم مارکسیستی - لنینیستی آن عبارت از مبارزه ای است که منوجه کسب قدرت سیاسی و در هم شکستن ماشین طبقاتی حاکم می‌باشد و بالطبع زمانی که ریزو نیستها کسب قدرت سیاسی را از طریق انقلاب نفعی می‌نمایند و حاکمیت بورژوازی را بر سر می‌نشانند، آری در جنبش همگامی ریزو نیستها مبارزه طبقاتی را نفعی می‌کنند.

بدین ترتیب ریزو نیستها مبارزه ای اخته، مبارزه ای محدود در چهار چوب مناسبات بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی پرولتاریا می‌کنند ریزو نیستها می‌گویند در مبارزه انقلابی و طبقاتی پرولتاریا انحلال بوجود آورده و پرولتاریا را دنیا له ریزو نیستها می‌نمایند و مبارزه این طبقه را به زائده ای از حرکت بورژوازی تبدیل می‌نمایند. آنان می‌گویند استقلال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و استقلال سیاسی - ایدئولوژیک این طبقه تا به آخر انقلابی را از زمین برده و سازشگر هژمونی و رهبری این طبقه را در انقلاب نفعی می‌نمایند. بقول لنین: "انحلال طلبی... از لحاظ ایدئولوژیک در برابر نفعی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریا می‌باشد. سوسیالیسم بطور عمده و اساسی ریزو نیستی است در انقلاب بورژوازی - دمکراتیک ما نظیرا خصمی می‌باشد". (انحلال و انحلال طلبی - ژوئیه ۱۹۰۹)

می‌آورند و می‌گویند پرولتاریا را در دنیا له روسیاست و متی بورژوازی بنمایند. بی سبب نیست که امروز سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) مبارزه طبقاتی پرولتاریا و هژمونی اورانی کرده و او را به حمایت و پشتیبانی از بورژوازی و رژیم جمهوری اسلامی فرا - میخوانند و بی سبب نیست که امروز رهبران ریزو نیست همین سازمان در پیشگاه یکی از نمایندگان منفور هیئت حاکمه یعنی بهشتی حاشن دست نکدی دراز کرده و از او رهنمود می‌طلبند!

جرمان ریزو نیستی اکثریت به بهشتی می‌گوید: شما "صاحب نظر هستید و میتوانید ما را بر سر می‌روشن کنید" (از زمین ما حبه) او می‌نماید که در این "اعتماد دهنده است" اگر ما "اعتماد دهنده استیم که در این حدیثوا نیستیم با شما اینجا صحبت کنیم هرگز این کار را نمی‌کردیم" (هانا جا).

بله بهشتی "صاحب نظر" است اما نظرات و عقاید او در چهار چوب مصالح و منافع هیئت حاکمه ایران سیر میکند، او "صاحب نظر" را میتواند بررسی کند، اما از دیدگاه بورژوازی و در جهت منافع ارتجاع حاکم این صاحب نظر بررسی می‌شود. ولی ریزو نیستها به این مناسبات کاری ندارند، و ما هیئت طبقاتی عقاید و نظریات برایشان مهم نیست. ولی تنها چیزی هم که برایشان مهم است بیاد کردن عقاید و نظرات بورژوازی است. آنان از ایدئولوژی و سیاست طبقه کارگر کاملاً بیخبرند. آنان به بورژوازی اعتماد داشته و همین خاطر برای گرفتن رهنمود از بورژوازی به پیشگاه او نشاندند. آنان در برابر بورژوازی خود را در فرمولی و دلالت کامل قرار می‌دهند تا اعتماد مینمایند. یک گروه با آن فدا می‌کنند تا آن میخواهند سر بر ریزو نیستی شان آچاره فعالیت غلبی داشته و برای این منظور سردستان بورژوازی سوسه می‌زنند. ولی بهشتی که در پی آنست تا اینان را همانند حزب بوده، این کارگزار سوسیالیست امبریا لیس به کارگزاران ارتجاع تبدیل نمایند. حفر کارگزاران به رهبران مردم می‌گوید: "ترویدا اعتماد را به مردم کردستان منتقل کنید. یک گروه با آن فدا اعتبار و نفوذ اجتماع می‌نمایند که چه میخواهم بگویم". آقا جان ریزو نیست فهمیده که شما بنده "مالشها" چه میخواهد بگوید؟ او می‌گوید اعتماد را که شما نسبت بس داده بودید، ما انفعال دهنده، او می‌گوید به نوده ها بگویند که مبارزه طبقاتی و انقلاب علیه طبقه حاکم نظام ارتجاعی موجود را به کناری گذارند، او می‌گوید به نوده ها بگویند که در برابر حاکمیت ارتجاعی بورژوازی سجد کنند.

بورژوازی به ریزو نیستها رهنمود میدهد تا جرمان خوبی برای بیاد کردن سیاست سازش طبقاتی باشد، او میخواهد ریزو نیستها به نفعی که گرفتن امتیاز موقوف به بیاد کردن سازش طبقاتی در کردار مینماید، او میخواهد آنها به نفعی که گرفتن امتیاز از هیئت حاکمه موقوف به نفعی کامل مواضع و اقدامات انقلابی سازمان چریکهای فدائی در گذشته است.

بهشتی مردود می‌گوید: "سیاستها دستک که سازمان چریکهای فدائی حلقی سید و جمعی جدیدی که در این مدت حاکم کرده اند و بعدا اعلام مواضع جدید می‌کنند". اکثریت می‌گویند این عملکردها را اگر گذشته است به نفعی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

(بوده‌ها - پیکار) بگو شد که اس کار دولتی
شملی است جنس خواهد کرد. سه آنها اس اصل را
بگو شد که نمی‌شد، سها سسند ما هم سسیم ،
نقطه اعما دیم ما کا فست ، "ما شدا علام کند ،
اگر اس جا معده صت سرما بداری سمرود ، سه
سید استندا دسترود " (از من مد کره سسینی
ما صرح سگهدا رومدنی)

بورژوازی برای حقه کردن انقلاب نه روزی سو -
سینها خط سدهد ، از آن می طلبدنا طبعه کارگرخل
کرد ما سروده ها را بر سسند و روزی سسینها که گلسی
فا قدره گوسه ساست ما رکسینی سنا شد و سست سه
ما رکسیم - لسنیم ما رندا کرده اند جو اب منسبت
مدهدند ، آن و فحنا نه علام سسند که برای تحسقی
سازش طبعانی و جو اب بدن جنس و برای گرفتسین
امتباراتی حقیقا روزی سسینها در صرندا قدرت ساسی
سازش کرده و کنا رآیند .

رهبران مردن جریان روزی سسینی اکثریت در
مقابل خواستهای بورژوازی به سسینی جنس جو اب
مدهدند : "صورتان عرض کم که البته این متفاسیل
است " (ها سجا ، نا کیدا زما سب) ، بوی نغس سازش با
بورژوازی و نوظنه علیه انقلاب از این با سخ بر سسید
روزی سسینها سسینند ما حصر سه منافع انقلاب
خیا نت کمیم ، ما حصریم در کنا رشا با سسینم برای حقه
کردن انقلاب اقداما سیم ، ما حصریم عمدا دتوده ها
را به بورژوازی و دولت طبعانی آن جلب سنا سیم ، ما
حصریم ولی هیئت حا که سسینا رندا امتباراتی به ما
مدهدند ، آری ، روزی سسینها حصر سسینا برای گرفتسین امتبار -
اتی انقلاب توده ها را به مسلح بورژوازی سسنا سند و
سست به مبارزه طبعانی حاری کا ملاحظات و رزیدوما
می سسینم چگونه حصر بورژوازی روزی سسینم آشکار
سینود ، می سسینم چگونه سسینان صحت از ما رکسیم
کرد ، اما در مضمون سساست و در کردا رست به آن خیا نت
نمود .

هما نظور که دیدیم روزی سسینها در عرصه سساست
انحلال طلبدن و حصر سسند منافع طبعه کارگروا سسفلال
سساسی ایدشولوزیک پرولتاریا را نه رزش یک جو به
بورژوازی بغرو سند ، ولی مسئله به ایضا محدود نمی -
شود ، روزی سسینها همچنین در عرصه مبارزه طبعانی
در زمینه سسکیلاتی سسرا انحلال طلب می باشند .

می دانیم که روزی سسینها به فاسونیت رژیم
موجود اخترا می گذارند و قوانین بورژوازی را به
رسمیت می سنا سند ، آنان خوا ستهای خویش را در
چهار چوب مناسبات حا کم قابل تحسقی می سسینند و در
نتیجه براساس این سساست سسکوشندنا سسرا سسنا سب
با این سساست را سسیره سسک آورند ، روشن است که

سباده کردن سس سسکیوسی سنا ما کم و سسلطه بورژوازی
مسئلزم وجود سسکیلاتی آهسن و سسرفا سوسی است بدون
سسکیلات ، سارمان ویا حزب انقلابی و محفی کسب قدرت
سساسی عسرمکن است ، حال آنکه سباده کردن سسینی
سازشکارانه و لیسیرالی اسرا سسکیلاتی منساب سسا
خود را مطرح سسارند ، روزی سسینها از آنجا که سه
بورژوازی اعتماد داشته و قوانین آنرا سسرحبت می -
سنا سسند و مبارزه انقلابی طبعانی را نغی سسکند ، بر
صورت یک سازمان محفی انقلابی که سسنا ند بورژوازی
را سسکون کند خط سسطلان می کسند ، روزی سسینها با
انکا به مضمون لیسیرالی سساست خود در سس آسند سنا
سسکیلاتی فاسوسی و علمی دا سسنا سنا سند ، لسنین در این
زمینه می سسید :

"در راه سسنا سسکیلات ، انحلال طلبدنی سسعی نغی
صورت یک حزب سسوال - دمکرات غیر علمی
(عسرفا سوسی) ... سسنا شد " (انحلال و انحلال طلبدنی)

در واقع انحلال طلبدن طرفدار شعار "حزب آشکار"
سسنا سندا آن از بورژوازی می طلبد سنا سنا سنا ویا
حزبان را فاسوسی نموده و اجازه فعالیت علمی دهدند ،
طبعنا سحت سسرا سس نیست که کمونسینها سنا سنا سنا سنا
وا مکانات علمی اسسفا ده سسند ، سسروا نه و عسیر
ما رکسینی خوا هد بودا گسکرمونسینها از امکانات علمی
جهت توسعه و نفوذ خود در میان طبعه توده ها و سسشیرد
مبارزه طبعانی بهره سسیرند ، ولی سسنا سنا سنا سنا سنا
در سسنا سنا سنا سسیت بورژوازی و صدا انقلاب یک سازمان
با حزب محفی ، عسرفا سوسی و انقلابی جهت هدایت اسر
انقلاب توده ها لازم سسک ضرورت انکا را سسپدرا سست ،
حال آنکه انحلال طلبدن جنس ضرورتی را انکا رمی -
کنند و ما هبتا ر سنا عی و صدمکراتیک بورژوازی را
بدست فراموشی می سسارند و از بورژوازی فاسوسینی
بودن سازمان خویش را کذاشی سسکند ، مسئله سسورد
اختلاف اسسفا ده از امکانات علمی نیست و سسنا سنا
با شد ، مسئله سسورد اختلاف نغی با عدم نغی حزب و سازمان
عسرفا سوسی و انقلابی در سسنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
کمونسینها ضرورت سازمان انقلابی غیر علمی تا کید
می سسنا سند ، حال آنکه روزی سسینها و انحلال طلبدن
در سس سازمان علمی و فاسوسی ویا رسمیت یافته از
جانب بورژوازی سسنا سنا سنا ، سنا طریبا وریم که سسقدر
کمبینه مرکزی حزب توده در زمان رژیم سسنا سنا سنا
دست گداشی درآ کردنا سسرا سس "فاسون اما سسینی
سنا سنا سنا" حزبی فاسوسی کشته و اجازه فعالیت علمی
سبدا سنا سنا ، و امروز جریان روزی سسینها اکثریت در
همین خط به پیش سسیرود .

سکیده در خواست فرح سسگهدا روشکای روزی سسینها
از بورژوازی در یک مسئله سسطلور سسشود ، هیئت حا که

با سنا اجازه ده سنا سارمان چسکیهای فداشی (اکثریت)
فاسوسی کرده و سسره سسنا سنا بطور فاسوسی اجازه سسنا ر
سبدا سنا سنا ، در همین اسسنا است که روزی سسینها
خود می گویند : "ما سائل مشصرا است ، سسکی امتبار سسیره
است ... " و البته سسینی سسز سسلا فاطه در سسنا سسگوید :
"من فکر سسکبمه سنا سنا قابل طرح است ، از نظر
شصن خود ، من فکر سسکبمه سسنا سسیرد ویا سسک
کفت و کون سسینان سسنگا سسنا سنا " (ها سجا)
سائل فوق الذکر از سسکوسوی نغسین سازش را
سسنا سسیرا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
جریان روزی سسینها اکثریت را آشکارا سسنا سسنا
سسگدارد ، امروز سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
انقلاب روی سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
ترغیب می سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا و
علمی کرده و بدین ترتیب سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
و روزی سسینها سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا

روزی سسینها "حق پرولتاریا برای انقلاب را
در برابر سسبول سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
در چا رچوب قوانین سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
اسسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
حال آسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
(اکثریت) منافع انقلاب را سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
امتبار سسیره سسک حصر و سسنا سسنا ؟ آسنا سسنا سسنا
سازمان در راه سازش با بورژوازی حا که به انقلاب
سست نکرده است ؟ آسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
در سسنا سسنا سسنا ؟

سسوست سازمان چسکیهای فداشی (اکثریت)
سسوست همه جریان سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
توسیم سسنا سسنا و سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
است که سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
سسوال ! سسیرا لیسمنوروی سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
با روزی سسینها سازش سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
در می سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
اسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
با روزی سسینها ، به سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
برای آنکه به ما رکسیم - لسنیم و فاسسنا سسنا سسنا ،
با سسنا روزی سسینها سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
پرولتاریا و تحسقی کمونسیم به پیش روی ما سسنا سسنا
بورژوازی و ایدشولوزی اود سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
ما رکسیم لسنیم سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
کارگری در پیش دارند ، بدون مبارزه فاطع و سسکسیر
علیه روزی سسینها سسیروزی در مبارزه سسنا سسنا سسنا
و سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر